

Methodology as a Model of Method Analysis:

A Review and Critique on the Book “*Handbook of Mixed Methods in Social and Behavioral Sciences Research*”

Elham Ebrahimi*

Abstract

Familiarity with research methodology is a requirement for any research project. What is seen in most works of writing or translating is a mere focus on teaching one or more research methods. The “*Handbook of Mixed Methods in Social and Behavioral Sciences Research*” has a different approach and has been written by pursuing the three goals of explaining philosophical tendencies, methodological formulation, and method, and finally the application of mixed research. This distinction, which makes the book stand out from other works in the field, was the reason it was chosen for critique. The Persian translation of the book, by Tashakkori and Teddlie was investigated based on the evaluation criteria of the Council for Reviewing Books and Texts on Human Sciences in two areas of structural and content criticism. The main strengths of the book are, focusing on the four bases of research paradigms i.e., ontology, epistemology, axiology, and strictly methodology of mixed research, multiplicity, and diversity of views and using the pioneers in the field of research methods in writing chapters and also providing primary valid sources, examples and case studies. At the same time, the effect has points for improvement, the most important of which are the overlap in the content of some chapters, the naming and arrangement of chapters, and the literal translation of some sentences.

* Faculty Member, Management Faculty, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran,
e.ebrahimi@ihcs.ac.ir

Date received: 2023/01/23, Date of acceptance: 2023/04/29



Copyright © 2023, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۳۲۲ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۳، شماره ۱، بهار ۱۴۰۲

Keywords: Methodology, Method, Mixed Research, Structural Critique, Content Critique.

روش‌شناسی به مثابه الگوی تحلیل روش:

نقد و بررسی کتاب

راهنمای روش‌های آمیخته در پژوهش‌های علوم رفتاری و اجتماعی

الهام ابراهیمی*

چکیده

آشنایی با روش‌شناسی پژوهش از الزامات انجام هر طرح پژوهشی است. آنچه در اکثر آثار تألیفی یا ترجمه مشاهده می‌شود، تمرکز صرف بر آموزش یک یا چند روش پژوهش است. کتاب راهنمای روش‌های آمیخته در پژوهش‌های علوم رفتاری و اجتماعی، رویکرد متفاوتی دارد و با پیگیری اهداف سه‌گانه تبیین گرایش‌های فلسفی، صورتبندی روش‌شناسی و روش و در نهایت کاربرد پژوهش‌های آمیخته، به رشته تحریر درآمده است. تمایز در هدف، که کتاب را در قیاس با دیگر آثار این حوزه برجسته می‌سازد، دلیل انتخاب آن برای نقد و بررسی بود. ترجمه فارسی کتاب، اثر تشکری و تدلی بر اساس معیارهای ارزیابی شورای نقد و بررسی متون و کتب علوم انسانی در دو ساحت نقد ساختاری و نقد محتوایی، بررسی شد. نقاط قوت اصلی کتاب، تمرکز بر چهار رکن پارادایم‌های پژوهش یعنی هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی، ارزش‌شناسی و ماکدلاً روش‌شناسی پژوهش‌های آمیخته، تعدد و تنوع دیدگاه‌ها، بهره‌گیری از پیشگامان حوزه روش‌های پژوهش در نگارش فصول و نیز استفاده از منابع دست‌اول و معتبر، ارائه مثال و مطالعات موردی بود. در عین حال، اثر نقاط قابل‌بهبودی دارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به همپوشانی زیاد در محتوای برخی فصول، نامگذاری و نحوه چینش فصول و ترجمه تحت‌اللفظی برخی جملات اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: روش‌شناسی، روش، پژوهش آمیخته، نقد ساختاری، نقد محتوایی.

* عضو هیأت علمی گروه مدیریت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران،
e.ebrahimi@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۹

۱. مقدمه

سه‌گانه هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و روش‌شناسی پذیرفته‌شده‌ترین دسته‌بندی به‌مثابه عناصر بنیادین پارادایم‌های پژوهش تلقی می‌شوند (Killam, 2013). به صورت خاص، هستی‌شناسی در پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی عبارت است: «مفروضات رویکرد خاصی از پژوهش اجتماعی درباره ماهیت واقعیت اجتماعی». معرفت‌شناسی به این سوال پاسخ می‌دهد که «چگونه و چه چیزی را می‌توان شناخت» و در نهایت، روش‌شناسی عبارت است از «نظریه و تحلیل درباره نحوه اجرای پژوهش». برخلاف دو رکن ابتدایی که عموماً شفاف و قابل تمییزند، در بسیاری مواقع تفاوت ماهوی میان «روش‌شناسی» methodology و «روش» method نادیده انگاشته می‌شود. در واقع، روش‌شناسی «مطالعه - توصیف، تعریف و توجیه - روش‌هاست و نه خود روش» (صادقی‌فسایی و ناصری‌راد، ۱۳۹۱). از اینروست که روش‌شناسی را می‌بایست به مثابه ابزار یا الگوی تحلیلی برای توجیه چرایی به‌کارگیری یک روش در نظر گرفت. تأثیر آگاهی از روش‌شناسی در انتخاب روش مناسب توسط پژوهشگران تاحدی است که انتخاب روش مناسب، تنها به آگاهی از ابعاد روش‌شناختی موضوع محدود شده است (King, 1994). رویکردی که کتاب راهنمای روش‌های آمیخته در پژوهش‌های علوم رفتاری و اجتماعی اتخاذ کرده، به درستی، معرفی ابعاد روش‌شناسی برای گزینش و اجرای روش‌های پژوهش آمیخته است؛ هرچند عنوان و ساختار کلی کتاب در نگاه نخست این رویکرد را به ذهن خواننده متبادر نمی‌کند. به عبارت دیگر، خواننده با مشاهده عنوان کتاب و فصول آن، به هدف نگارندگان پی نمی‌برد و صرفاً مطالعه عمیق و تحلیل هر یک از بخش‌های سه‌گانه کتاب و نیز بررسی ارتباط میان آن‌ها می‌تواند این قصد را به خواننده منتقل سازد.

غلبه روش‌های پژوهش کمی بر روش‌های کیفی که همراستا با پارادایم پوزیتیویستی است، پیشینه‌ای دیرینه دارد. در عین حال، پارادایم تفسیری به ارجحیت روش‌های پژوهش کیفی، دست کم در علوم انسانی و اجتماعی قائل است (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۸). در این میان، یکپارچه‌سازی روش‌های کمی و کیفی در قالب روش‌های پژوهش آمیخته اکتشافی، تشریحی و به‌هم‌تنیده (بازرگان، ۱۳۹۹) مفری است که به زعم نویسندگان کتاب به پژوهشگران علوم انسانی و اجتماعی کمک می‌کند تا به اصطلاح «از انزوا بیرون آیند». از اینرو پژوهش‌های آمیخته در این کتاب به عنوان جایگزینی برای دو روش پیش‌گفته مطمح نظر قرار گرفته است.

بنابراین به عنوان جمع‌بندی، علل اصلی انتخاب کتاب راهنمای روش‌های آمیخته در پژوهش‌های علوم رفتاری و اجتماعی برای نقد و بررسی در این نوشتار را می‌توان در قالب دو مورد برشمرد. نخست؛ اتخاذ رویکرد «روش‌شناسی به‌مثابه‌ الگو و ابزار تحلیل و توجیه روش» که به شکل مکنون در سراسر کتاب حاکم است و دوم؛ بی‌طرفی در مجادلات وسیعی که میان طیف‌های مختلف پژوهشگران در مورد ارجحیت روش‌های کیفی یا کمی نسبت به یکدیگر وجود دارد و با انتخاب روش‌های پژوهش آمیخته به عنوان محور کتاب، عملاً هر دو طیف پژوهش‌ها را شامل می‌شود. ارائه این مقدمه در مورد چرایی و علل انتخاب این اثر برای بررسی و نقد، به خوانندگان مقاله کمک می‌کند ضمن اشراف به هدف کلی کتاب، از دیدگاه نقد بر اساس معیارهای ساختاری و محتوایی نیز به این اثر توجه داشته باشند.

در ادامه، مقاله به این شرح سازماندهی شده است. روش‌شناسی مقاله در قالب نقد شکلی و نقد محتوایی عنوان شده و پس از آن سرفصل‌های مقاله بر اساس معیارهای ارزیابی معرفی شده توسط شورای نقد و بررسی متون و کتب علوم انسانی تنظیم شده‌اند. ذیل هر سرفصل و به تناسب، ارزیابی و نقد شکلی یا محتوایی اثر ارائه شده و در نهایت، در بخش نتیجه‌گیری و پیشنهادها به ذکر نقاط قوت اثر پرداخته شده و پیشنهادهایی برای رفع نقاط قابل بهبود طرح شده‌اند.

۲. روش‌شناسی

نقد عبارت است از مطالعه، بحث، ارزشیابی و تفسیر متن. در شیوه‌های جدید نقد، اغلب، مباحث مرتبط با روش‌ها و اهداف مد نظر قرار می‌گیرند (درودی، ۱۳۸۷). یقیناً معیارمند کردن نقد، آن را از دو نقص عمده می‌رهاند؛ نخست سوگیری و قضاوت‌های محتمل شخصی ناقد را کاهش می‌دهد و دوم تنها به تبیین کاستی‌های اثر اکتفا نمی‌کند. بلکه تلاش نقد مبتنی بر معیار آن است که نقاط قوت و وجوه قابل بهبود اثر را به صورت توأمان مطمح نظر قرار دهد.

از سوی دیگر، نقد را می‌توان از دو منظر مورد توجه قرار داد. این دو منظر عبارتند از: ۱. نقد صوری، شکلی، صورت‌گرایانه یا فرمالیستی و ۲. نقد ساختاری، پژوهشی یا محتوایی (علی‌پور، ۱۳۸۹؛ درودی، ۱۳۹۳). گونه نخست نقد، به معیارهای شکلی در تنظیم متن، نظیر استفاده صحیح از علائم سجاوندی، مفهوم بودن و ساختارمندی جملات، کاربرد صحیح تیرها و میان‌تیرها و نگارش مناسب متن می‌پردازد. در گونه دوم، معیارهای محتوایی و منطقی مانند مبانی نظری و شاکله مفهومی اثر مد نظر قرار می‌گیرند (همدانی، ۱۳۹۳). در این مقاله

هر دو شکل نقد مورد توجه قرار گرفته است. در نقد شکلی، عمده تمرکز بر ترجمه اثر و چاپ آن توسط نشر دانشگاه تهران بود و در نقد محتوایی، مضمون مطالب ارائه شده توسط مولفان مورد توجه قرار گرفت. به علاوه، از معیارهای ارزیابی معرفی شده توسط شورای نقد و بررسی متون و کتب علوم انسانی، برای معیارمند کردن نقد، اجتناب از سوگیری و ارائه نقاط قوت و قابل بهبود اثر استفاده شد.

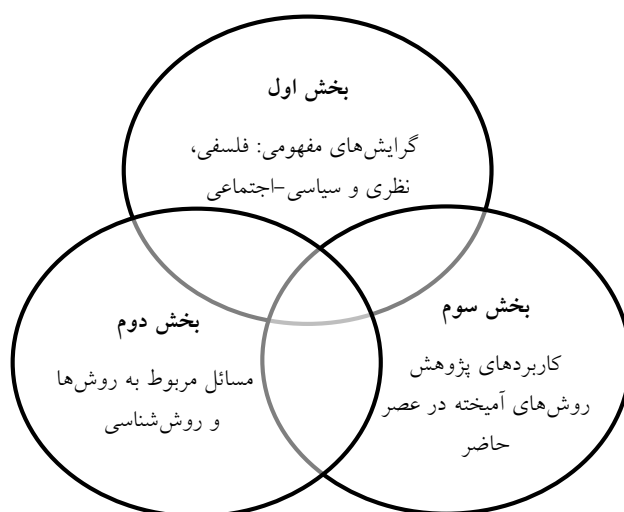
۳. نقد شکلی: معرفی و ارزیابی صوری اثر

۱،۳ مشخصات اثر و نویسنده

کتاب راهنمای روش‌های آمیخته در پژوهش‌های علوم رفتاری و اجتماعی اثر عباس تشکری و چارلز تدلی Charles Teddlie با همکاری ۴۹ پژوهشگر متخصص و برجسته در حوزه روش‌شناسی و روش پژوهش نگارش شده است. عباس تشکری استاد روش‌شناسی تحقیق و ارزش‌یابی در دانشگاه تگزاس شمالی است که پژوهش‌های او به صورت خاص بر انواع روش‌های تحقیق متمرکز است. چارلز تدلی استاد برجسته بازنشسته دانشگاه لوئیزیانا در رشته آموزش است. کتاب توسط انتشارات سیج Sage Publication نخستین بار در سال ۲۰۰۳ منتشر و در سال ۲۰۱۰ تجدید چاپ شد. مترجم اصلی کتاب دکتر مرتضی اکبری عضو هیأت علمی دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران است که در حوزه روش تحقیق و نوآوری تخصص دارد. ترجمه با همکاری زهرا فروزی اردکانی، ضرغام عبدالهی پور، سارا جعفری و نیلوفر مسروری انجام شده و ترجمه اثر توسط انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده و تا سال ۱۳۹۷ سه بار تجدید چاپ شده است. نویسندگان کتاب، آثار مجزا یا مشترک متعددی با موضوع روش پژوهش در قالب کتاب و مقاله دارند. از جمله آثار مشترک آن‌ها می‌توان به کتاب‌های مبانی پژوهش ترکیبی: تلفیق رویکردهای کمی و کیفی *Foundations of mixed methods research: Integrating quantitative and qualitative approaches in the social and behavioral sciences* و روش‌های پژوهش آمیخته: ترکیب رویکردهای کیفی و کمی *Mixed methodology: Combining qualitative and quantitative approaches* اشاره کرد که کتاب اول به فارسی نیز ترجمه شده است. تعدد آثار مشترک این دو پژوهشگر در زمینه روش‌شناسی نشان می‌دهد پیوند فکری نزدیکی میان آن‌ها وجود دارد که به غنای آثار منتشرشده توسط آنان در ویراست‌های مختلف کتاب کمک شایان توجهی کرده است.

۲,۳ معرفی ساختار کتاب

کتاب در قالب سه بخش و ۳۱ فصل به این شرح تنظیم شده است: فصل نخست به مرور مسائل حاضر در حوزه پژوهش روش‌های آمیخته اختصاص یافته است. پس از این مقدمه، بخش اول با عنوان «مسائل مفهومی: فلسفی، نظری و سیاسی-اجتماعی»، بخش دوم با عنوان «مسائل مرتبط با روش‌ها و روش‌شناسی» و در نهایت، بخش سوم با عنوان «کاربردهای هم‌زمان پژوهش روش‌های آمیخته» هر یک شامل ده فصل ارائه شده‌اند. به‌علاوه، کتاب شامل پیش‌گفتار انگلیسی و فارسی نویسندگان، مقدمه و بیوگرافی مترجمان، قرارداد همکاری با انتشارات سیچ، واژه‌نامه، معرفی ویراستاران و همکاران، فهرست اسامی انگلیسی و نمایه نویسندگان و واژه‌هاست. هر فصل با بیان اهداف آغاز و با نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد. در پایان هر فصل بخشی تحت عنوان «سوالات و تمرینات تحقیق» ارائه شده است. پس از آن نیز منابع فصل به تفکیک آورده شده‌اند. ساختار کتاب در قالب شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. ساختار سازماندهی کتاب

در مورد ساختار کتاب می‌توان به چند نکته حائز اهمیت اشاره کرد. نخست؛ بر اساس یکی از شناخته‌شده‌ترین دسته‌بندی‌ها، پارادایم‌های پژوهش در قالب سه دسته هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی (و دسته چهارمی که در برخی منابع تحت عنوان ارزش‌شناسی مطرح شده) قابل تفکیک‌اند (Guba & Lincoln, 2005). در کتاب با افزودن این دسته چهارم، به

چهار رکن پارادایم‌های پژوهش اشاره شده؛ هرچند نویسندگان وزن بیشتری برای روش‌شناسی قائل بوده‌اند و در حالی که سه رکن نخست را در قالب یک بخش مورد توجه قرار داده‌اند، رکن روش‌شناسی را در بخشی جداگانه مد نظر داشته‌اند. به علاوه، نویسندگان به درستی معتقدند میان سه بخش کتاب همپوشی قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. دوم؛ به‌رغم توضیحات تفصیلی نویسندگان در فصل اول کتاب، نامگذاری بخش‌های کتاب این ایده را به خواننده منتقل نمی‌کند که نویسندگان در پی واکاوی پژوهش‌های آمیخته بر اساس پارادایم‌های پژوهش بوده‌اند.

۳،۳ ویژگی‌های فنی اثر

کتاب به زبان انگلیسی ۹۱۲ صفحه و ترجمه فارسی آن ۹۰۱ صفحه است. عنوان کتاب بر روی جلد کاملاً مشخص است. طراحی جلد کتاب ترجمه شده تا حد زیادی ملهم از طراحی اثر اصلی است. کیفیت صحافی کتاب با توجه به حجم بالای آن مناسب است و حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی منسجمی انجام شده است.

۴،۳ ویرایش ادبی

هرچند متن آثار با موضوع روش‌شناسی پژوهش خصوصاً در فصول مربوط به پارادایم‌های پژوهش عموماً متون پیچیده‌ای است؛ اما ترجمه کتاب به ساده‌سازی متن کمک چندانی نکرده است. در برگردان برخی از جملات، ترجمه تحت‌اللفظی توسط مترجمان انجام شده و این موضوع فهم متن را با دشواری‌هایی مواجه کرده است. برای نمونه جمله‌ای در فصل پنجم کتاب برای تبیین نحوه تأثیر مکتب کارکردگرایی بر پژوهش‌های آمیخته به این شکل عنوان شده است:

«موضع عمل‌گرایی، جهت استفاده از روش‌های آمیخته و چندگانه برای ایجاد اطلاعات معنی‌دار به منظور پاسخ به سوالات پژوهش مورد بحث قرار می‌گیرد. این دیدگاهی شناخته‌شده‌تر و واضح‌تر از عمل‌گرایی است.»

بر اساس ترجمه اصلی کتاب، می‌توان این‌گونه برداشت کرد که: مکتب کارکردگرایی به‌عنوان یک منطق روش‌شناختی در روش‌های پژوهش آمیخته و چندگانه، بر فراهم کردن اطلاعات برای ارائه پاسخ‌های عمل‌گرایانه به پرسش‌های پژوهش متکی است. اما همان‌گونه که

روش‌شناسی به‌مثابه‌ الگوی تحلیل روش: نقد و بررسی ... (الهام ابراهیمی) ۳۲۹

مشاهده می‌شود، ترجمه تحت‌اللفظی، خواننده را در درک منطق موضوع با دشواری مواجه می‌کند.

مشابه این ترجمه لغوی را می‌توان در پاراگراف آخر نتیجه‌گیری فصل دوازدهم مشاهده کرد:

همچنان که با روش‌های کمی و کیفی قراردادهایی برای نوشتن و بسط سوالات تحقیق در نمونه‌های مورد تحقیق شروع به کار می‌کند که این اجتماعات به کار خود ادامه خواهد داد تا به مثابه روش یکسان در میان محققان مورد استفاده قرار گیرد.

فهم صحیح از این پاراگراف به این شکل است که توافق بر روی نحوه نگارش و توسعه سوالات تحقیق سبب می‌شود روشی یکسان در این زمینه مورد اجماع محققان قرار گیرد. ترجمه تحت‌اللفظی می‌تواند خواننده را در فهم معنای اشاره شده سردرگم کند.

۵,۳ رعایت اصول علمی ارجاع‌دهی

منابع اثر پس از نخستین چاپ آن در سال ۲۰۰۳ با توجه به تغییر و روزآمدی محتوای کتاب، به‌روز شده‌اند. منابع به تفکیک، در پایان هر یک از فصول کتاب ارائه شده‌اند و در کنار آن، منابع درون‌متنی نیز مورد اشاره قرار گرفته‌اند؛ از اینرو پیوند میان مباحث و منابع آن‌ها کاملاً مشخص است و این موضوع می‌تواند دستیابی به منابع هر بخش را برای خواننده تسهیل کند. نقل قول‌ها با شماره صفحات منبع مربوطه مشخص شده‌اند. شکل‌ها و جداولی که از مراجع دیگر استخراج شده‌اند نیز دارای منبع هستند. شکل‌هایی که عیناً از منبع دیگری آورده شده‌اند، با کسب اجازه از انتشارات مربوطه درج شده‌اند (برای مثال شکل ۲-۲). در مجموع می‌توان گفت منابع اثر، معتبر و روزآمد هستند و امانتداری در ذکر مطالب به درستی رعایت شده است.

۴. نقد پژوهشی: ارزیابی محتوایی اثر

۱,۴ بررسی ابعاد آموزشی اثر

کتاب با سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در مقاطع دکتری مدیریت با گرایش‌های مختلف همخوانی دارد. در ادامه، فصول کتاب از منظر نقاط قوت و ویژگی‌های قابل بهبود مورد بررسی قرار می‌گیرند.

فصل نخست با عنوان «مروری بر مسائل حاضر در حوزه پژوهش روش‌های آمیخته»، به قلم تدلی و تشکری نگارش شده است. در این فصل، در ابتدا به شکل تفصیلی ساختار کتاب و منطق چیدمان فصول تبیین شده است. در ادامه، ماهیت پژوهش‌های آمیخته، چالش‌های این‌گونه پژوهش‌ها، وجه مشترک آن‌ها، سوال‌ها، مسائل و کاربردهای پژوهش‌های آمیخته طرح شده‌اند. نکته نخست آنکه، عموماً ساختار و چیدمان فصول در مقدمه اثر ذکر می‌شود و نه آن‌که بخش عمده‌ای از یکی از فصول کتاب را به خود اختصاص دهد؛ خصوصاً زمانی که قرابت مفهومی با دیگر سرفصل‌های آن فصل از کتاب ندارد. نکته دوم این است که در این فصل خواننده با طیف متنوعی از مسائل که انسجام محتوایی ندارند مواجه است؛ به ویژه آن‌که در بهترین شکل، بخش اندکی از این محتوا متناسب با عنوان فصل است. نکته آخر آنکه در این فصل، هدف کلی کتاب «ترسیم اصول روش‌شناسی پژوهش روش‌های آمیخته» عنوان شده است. در عین ارزشمندی این هدف، پرداختن به بسیاری از جزئیات خوانندگان را از نیل به این هدف باز می‌دارد.

بخش نخست کتاب مشتمل بر ده فصل (فصل دوم تا یازدهم) با محوریت مبانی فلسفی پژوهش‌های آمیخته است. فصل دوم با عنوان «نگاشت چشم‌انداز در حال توسعه پژوهش روش‌های آمیخته»، توسط کرسول Creswell نگارش شده است. این فصل، نقد نویسنده به آثار تشکری و تدلی را مبنی بر اینکه به مسائل گسترده در خصوص طرح پژوهش تمرکز دارند دربر دارد. نقد کرسول در این زمینه نقدی به جاست؛ چراکه به زعم آنان در سال‌های اخیر «بحث در مورد نحوه انجام یک مطالعه جزئی‌تر و تحلیلی‌تر شده است». موضوع مهم دیگری که کرسول در این فصل بر آن تمرکز کرده مجادلاتی است که در خصوص «دو‌زبانی» Bilingual بودن پژوهش‌های آمیخته مطرح است. موضع کرسول در این فصل، نیاز به بهره‌گیری از زبان سوم متمایز برای پژوهش‌های آمیخته است؛ زبانی که با واژگان پژوهش‌های کیفی و کمی متفاوت باشد. این موضع از زمان نگارش این کتاب تاکنون تا حدودی تثبیت شده؛ کما این‌که جایگزینی واژگانی مانند قابلیت اعتماد Trustworthiness با اصطلاحات رایج روایی و پایایی در پژوهش‌های کمی نمونه‌ای از این تغییر رویکرد است. اما آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته، این است که این جایگزینی به سمت و سوی به‌کارگیری واژگان رایج در ساحت پژوهش‌های کیفی متمایل شده و شاید تا کنون زبان سومی در این خصوص میان پژوهش‌گران پذیرفته نشده باشد.

فصل سوم با عنوان «تاریخچه مسائل نظری و فلسفی پژوهش روش‌های آمیخته»، بر مناقشات پارادایم‌های سه‌گانه کمی، کیفی و آمیخته از دوران فلاسفه باستان تا حال حاضر متمرکز است و نظر فلاسفه و پژوهشگران در مورد تفوق هریک از این رویکردها بر دیگری را مورد مطالعه قرار داده است. از دیگر موضوعاتی که در این فصل مورد بررسی قرار گرفته، انواع مفاهیم استدلالی در ادبیات آکادمیک است. برای نمونه به استقرا، قیاس، منطق جدلی و نوفرزیه‌سازی Abduction اشاره شده است. رغم وجود تعاریف مشخص برای سه مفهوم نخست، دست کم در مورد ابداکسیون که به «نوفرزیه‌سازی» ترجمه شده است، نظرات متعددی وجود دارد. ابداکسیون اولین بار توسط چارلز سندرز پیرس Charles Sanders Peirce کارکردگرا (۱۸۷۸ تا ۱۹۵۸) به عنوان سومین اصل استدلال، علاوه بر استقرا و قیاس، معرفی شد. در نتیجه، در وهله نخست، چنین منطق جدلی در کنار سه مفهوم دیگر اساساً منطق مفاهیم استدلالی را برآورده نمی‌کند. دوم آنکه، ابداکسیون تلاشی برای خروج از مناقشه میان استدلال و قیاس است (Flick, 2018)؛ نه صرفاً نوعی استدلال استقرایی یا خلاقانه، آن‌گونه که در کتاب مورد توجه قرار گرفته است.

فصول چهارم، پنجم، ششم، هفتم و هشتم رابطه میان پارادایم‌های فلسفی عمل‌گرایی، واقع‌گرایی، فمینیسم و تحول‌گرایی به عنوان مبانی فلسفی پژوهش‌ها را با پژوهش‌های آمیخته تبیین می‌کنند. نقدی که در خصوص این فصول چهارگانه به صورت کلی وجود دارد، نحوه گزینش این پارادایم‌هاست. هرچند مناقشات زیادی در باب مفهوم پارادایم و پارادایم‌های اصلی پژوهش وجود دارد؛ ساده‌ترین و مورد اجماع‌ترین تعریف، «مجموعه‌ای از باورها و پیش‌فرض‌هاست که راهنمای کنش در پژوهش هستند» (گوبا و لینکلن، ۲۰۰۵). بر این اساس پارادایم‌های متفاوت تفسیری، اثبات‌گرایی، انتقادی و پست‌مدرن نیز هریک جایگاهی در پژوهش‌های آمیخته دارند ولی از دید مولفان این فصل مورد توجه قرار نگرفته‌اند. پرداختن به پارادایم عمل‌گرایی (کارکردگرایی) در قالب دو فصل مجزا و مغفول ماندن دیدگاه‌های فوق‌الذکر ابهامی در ذهن خواننده مبنی بر چرایی گزینش و تاکید بیش از اندازه مولفان بر پارادایم کارکردگرایی ایجاد می‌کند. در عین حال از نقاط قوت فصل هفتم و هشتم ارائه مطالعات موردی پژوهش‌های آمیخته با پارادایم فمینیستی و تحول‌گرایی است که می‌تواند در دیگر فصول نیز مد نظر قرار گیرد.

فصل نهم با عنوان «مدل چندبعدی روش‌شناسی تحقیق: مجموعه یکپارچه‌ای از پیوستارها»، طیف پیوسته پژوهش‌ها را در سطح روش‌شناسی از رویکردهای کمی تا کیفی، در سطح

تکنیکی از روش‌های کمی تا کیفی، در سطح داده‌ها از داده‌های کمی تا کیفی و در سطح پارادایم‌ها از اثبات‌گرایی تا تفسیری را در قالب مدل‌های دو وجهی و چندوجهی به تصویر کشیده است. این فصل، یکی از جامع‌ترین دیدگاه‌ها در زمینه پیوستارهای پژوهشی را نشان می‌دهد؛ هرچند نقد وارد بر آن این است که به دلیل جامعیت و این که مبنایی برای طرح مباحث دیگر فصول فراهم می‌کند، می‌بایست پیش از دیگر فصول کتاب مورد توجه قرار می‌گرفت.

فصل دهم و یازدهم با عنوان «طرح تحقیق، مستقل از روش‌ها» و «مصاحبه‌هایی با پشگامان توسعه پژوهش روش‌های آمیخته» به همان نقدی که بر فصل نهم وارد شد مبتلا هستند. در فصل دهم، مسئله طرح تحقیق پیش از آنکه ماهیت هستی‌شناختی یا معرفت‌شناسی داشته باشد، موضوعی روش‌شناختی است؛ از اینرو به لحاظ جایگاه مفهومی می‌بایست در بخش دوم مدنظر قرار می‌گرفت. فصل یازدهم نیز از آنجا که مباحث مختلفی از اختلاف یا اتفاق نظر پژوهش‌گران برجسته در زمینه مواردی از دیدگاه‌های فلسفی گرفته تا نحوه نگارش پژوهش‌های آمیخته را شامل می‌شود، در صورت قرار گرفتن به عنوان فصلی مقدم یا موخر نسبت به دیگر فصول، از جایگاه مناسب‌تری برخوردار می‌بود.

بخش دوم کتاب شامل ده فصل (فصل دوازدهم تا بیست و یکم) با محوریت مسائل روش‌شناختی و روشی در پژوهش‌های آمیخته است. فصل دوازدهم به اهمیت، مدل‌ها و نحوه ارزیابی سوالات پژوهش و نسبت آن‌ها با اهداف و فرضیه‌ها اختصاص دارد. ارائه نمونه‌های موردی برای مشخص کردن تعامل میان این سه وجه در گونه‌های مختلف پژوهش‌های آمیخته از نقاط قوت این فصل است. البته می‌بایست در نظر داشت که پیش‌نیاز فهم این فصل همانند فصول پیشین - و شاید اندکی بیشتر - آشنایی کامل با پژوهش‌های کمی و کیفی است.

فصل سیزدهم و چهاردهم که به ارائه چارچوبی جامع برای مفهوم‌سازی نوع‌شناسی‌های طرح‌های روش‌های آمیخته و طراحی روش‌های آمیخته می‌پردازند، در عین دقت و توجه به جزئیات، با یکدیگر و با فصل دهم که به طرح تحقیق در پژوهش‌های آمیخته اشاره دارد هم‌پوشی و تشابهات محتوایی قابل توجهی دارند. در عین حال تمرین‌ها و سناریوهای ارائه‌شده در فصل سیزدهم از نقاط قوت این فصل محسوب می‌شود.

فصل پانزدهم به انواع طرح‌های نمونه‌گیری در پژوهش‌های آمیخته می‌پردازد. این طرح‌ها در قالب جدولی که برخی مناسب طرح‌های کمی (مانند نمونه‌گیری ساده، طبقه‌ای و خوشه‌ای) و بعضی متناسب با روش‌های کیفی (مانند بحرانی، مبتنی بر نظریه و مرزی) هستند

دسته‌بندی شده‌اند. البته افزودن ستونی به این جدول برای ایجاد جدایشی که مطرح شد، می‌تواند در تصمیم‌گیری برای هر بخش از پژوهش‌های آمیخته اکتشافی، تبیینی، توأمان و نظایر آن راهنمای عمل باشد.

فصل شانزدهم به تحلیل محتوا به عنوان یکی از روش‌های پژوهش آمیخته اختصاص دارد. از آن‌جا که روش تحلیل محتوا در پیوستار روش‌های پژوهش در حداصل و مرز پژوهش‌های کمی و کیفی قرار دارد و هر دو گونه پژوهش‌ها را دربر می‌گیرد. (Sandelowski & Barroso, ۲۰۰۳)، انتخاب مناسبی به عنوان یکی از روش‌های پژوهش آمیخته است؛ اما تأکید نویسنده بر تحلیل محتوای هرمنوتیک همچنان وزن بیشتری به بخش کیفی پژوهش‌های آمیخته می‌دهد.

فصل هفدهم تحت عنوان «تکنیک‌های تحلیل داده‌های نوظهور در پژوهش‌های روش‌های آمیخته» نامگذاری شده است. سه نقد اساسی بر این فصل وارد است. نخست، به لحاظ محتوایی، جایگاه روش‌های تحلیل داده‌ها می‌بایست پس از نمونه‌گیری و گردآوری داده باشد؛ از اینرو فصل شانزدهم که یکی از روش‌های خاص تحلیل را در بر دارد می‌بایست پس از این فصل مطرح می‌شد یا به عبارت دیگر فصل هفدهم که عمومیت بیشتری دارد پس از فصول شانزدهم (و آنگونه که بعداً اشاره می‌شود فصل بیستم) قرار می‌گرفت تا نظم و شاکله ذهنی خواننده را بر هم نزند. به لحاظ نقد محتوای درونی محتوای فصل با عنوان آن مطابقت ندارد. چراکه تمام داده‌ها را نمی‌توان نوظهور در نظر گرفت؛ خصوصاً داده‌های کمی از چنین ویژگی برخوردار نیستند. به علاوه، این فصل به سه بخش کلی تقسیم می‌شود که عبارتند از روش‌های تحلیل داده‌های کمی، روش‌های تحلیل داده‌های کیفی و روش‌های تحلیل آمیخته که جمع دو بخش پیشین است. حقیقتاً اشاره به تمام روش‌های تحلیل داده‌های کمی و کیفی در یک فصل حدوداً ۲۵ صفحه‌ای امکان‌پذیر نیست و به ناچار نویسنده در این زمینه می‌بایست گزینشی عمل کند. بنابراین معیارهای انتخاب روش‌های کمی و کیفی برای ارائه می‌بایست مشخص باشد یا دست‌کم اشاره شود که روش‌های تحلیل به این موارد محدود نمی‌شوند؛ موردی که در فصل هفدهم و در برخی فصول دیگر مد نظر نویسندگان نبوده است.

فصل هجدهم و نوزدهم به تحلیل و نمایش تحلیل‌های آمیخته از طریق نرم‌افزارهای کامپیوتری اختصاص یافته‌اند. برشمردن مزایای هر یک از نرم‌افزارها برای نمونه مکس کیو دی ای MaxQDA، ان ویوو Nvivo، اطلس تی Atlas Ti و نظایر آن می‌توانست به غنای این فصول بیفزاید.

در فصل بیستم مانند فصل شانزدهم مجدداً یک بازگشت به عقب در اشاره به یک روش خاص تحلیل داده‌ها یعنی روش کیو Q method و تحلیل عاملی را شاهد هستیم. از اینرو، همان نقد پیشین در مورد این فصل نیز مصداق دارد. البته ارائه مثال موردی برای این روش تحلیل از نقاط قوت این فصل است.

فصل بیست و یکم به یکی از مهم‌ترین و مناقشه‌برانگیزترین موضوعات روش‌های پژوهش آمیخته یعنی ارزیابی کیفیت این پژوهش‌ها اختصاص یافته است. در این فصل، کیفیت در هشت حیطه کیفیت برنامه‌ریزی، کیفیت طرح، کیفیت داده‌ها، دقت تفسیری، قابلیت انتقال استنتاجی، کیفیت گزارش، ترکیب‌پذیری و سودمندی بررسی شده است. از آنجا که واژگان و روش ارزیابی کیفیت در پژوهش‌های کمی و کیفی تفاوت قابل توجهی دارند، این هشت حیطه نیز حتی‌المکان به تفاوت‌های ماهوی این دو دسته پژوهش‌ها توجه داشته‌اند. البته همانند فصول پیشین مرزبندی مشخصی برای تفکیک ارزیابی کیفیت این دو دسته وجود ندارد و تا حدی به کلان‌تصویر ارزیابی اکتفا شده است. برای مثال برخی روش‌های روایی و پایایی در پژوهش‌های کمی و بعضی روش‌های حصول قابلیت اطمینان در پژوهش‌های کیفی به صورت کلی و نه موردی و حتی به شکل ممزوج محل بحث بوده‌اند که این موضوع می‌تواند خواننده ناآشنا به این تفاوت‌ها را با سردرگمی مواجه سازد.

بخش سوم کتاب با عنوان «کاربردهای همزمان پژوهش‌های روش آمیخته» (فصل بیست‌ودوم تا سی و یکم) بر مسائل کاربردی و عملیاتی پژوهش‌های آمیخته متمرکز است؛ هرچند نامگذاری این بخش دست کم در وهله نخست، خواننده را با هدف نویسندگان از نگارش فصول ذیل این بخش درگیر نمی‌کند. این فصل با اتکا بر ضرب‌المثل «چکش طلایی»^۱ درصدد است روش‌شناسی پژوهش‌های آمیخته را از قید «تنها ابزار موجود برای انجام پژوهش» برهاند. با این هدف، نویسندگان تلاش کرده‌اند فرصت‌ها و محدودیت‌های کاربرد روش‌های آمیخته را در حل مسائل بنمایانند و در این زمینه از مثال‌هایی نیز بهره‌گرفته‌اند.

فصول بیست و سوم تا بیست و نهم به کاربرد پژوهش‌های آمیخته در حوزه علوم سلامت، علوم رفتاری و اجتماعی، نظارت و ارزشیابی، اقدام‌پژوهی و پداگوژی، بیوگرافی، اثربخشی آموزشی و مرور نظام‌مند ادبیات پژوهش می‌پردازند. هرچند نگارش این فصول توسط نویسندگان مختلف بر نحوه ارائه محتوا تأثیرگذار بوده است؛ اما درهم‌آمیختگی این فصول - چنان‌که برخی به کاربرد پژوهش‌های آمیخته در بافتار موضوعات مختلف (مانند سلامت و

اثربخشی آموزش) می‌پردازند و بعضی نیز تلفیق رویکردهای پژوهشی (مانند ترکیب اقدام‌پژوهی و مرور نظام‌مند) را در تعامل با روش‌شناسی آمیخته مطرح نظر دارند- عدم یک‌پارچگی در ارائه محتوا را در پی دارد. به علاوه، در گروه نخست نیز برخی از این فصول صرفاً به تحلیل کتابسنجی داده‌ها اکتفا کرده (فصل بیست و سوم) و برخی به شیوه اثربخش‌تری نمونه‌های موردی از موضوعات را به هدف فراگیری عمیق‌تر مطرح کرده‌اند (فصل بیست و هفتم).

فصل سی‌ام بر خروجی پژوهش‌های آمیخته در قالب نحوه نگارش پروپوزال یا مقاله متمرکز است. این فصل به درستی نمود صحیح پژوهش‌های آمیخته و ضوابطی که برای کسب اعتبار این پژوهش‌ها ضروری‌اند مد نظر قرار داده است. شاید بتوان گفت یکی از کاربردی‌ترین فصول کتاب این فصل است؛ چراکه قطعاً نحوه نگارش و ارائه است که ایده‌های پژوهش‌گر را به‌منصه ظهور می‌رساند. ارائه دیدگاه‌های داوران مقالات که با عبارت «ورود به ذهن داور» برجسته شده، قویاً به تشریح غنی دیدگاه‌های پژوهشگران به نحوی که جامعه آکادمیک را اغنا کند کمک می‌کند.

در پایان سخن آخر در قالب فصل سی و یکم، که مانند فصل نخست توسط تشکری و تدری نگارش شده، جمع‌بندی فصول پیشین، چالش‌های پیش روی پژوهش‌های آمیخته و آینده این پژوهش‌ها را تبیین می‌کند. این فصل با تمرکز مجدد بر شکل ۱ که ساختار کلی کتاب را نشان می‌دهد، پایان مناسبی برای مباحث متعددی است که در فصول مختلف کتاب طرح و بررسی شده‌اند.

۲,۴ مسئله‌مندی کتاب و پاسخ‌گویی به نیازهای علمی و کاربردی

کتاب راهنمای روش‌های آمیخته در پژوهش‌های علوم رفتاری و اجتماعی با هدف کلی آشنایی خوانندگان با روش‌شناسی پژوهش‌های آمیخته به رشته تحریر در آمده است. مسئله اصلی کتاب دغدغه‌مندی نسبت به پارادایم‌های چهارگانه هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی و روش‌شناسی این پژوهش‌هاست و در این راستا قطعاً پاسخگویی نیاز پژوهشگران علاقه‌مند به پژوهش‌های آمیخته است. در عین حال بخش سوم کتاب که بر کاربردهای این گروه از پژوهش‌ها در حیطه‌های مختلف علوم از جمله آموزش، سلامت، اقتصاد و نظایر آن می‌پردازد، بعد کاربردی اثر را برجسته می‌سازد.

۳,۴ ارزیابی نظم منطقی و انسجام درونی بخش‌های مختلف کتاب

ترتیب و انسجام مباحث در کتاب را می‌توان از سه دیدگاه مورد نظر قرار داد:

نخست؛ از دیدگاه انسجام بخش‌های کتاب- ترتیب مباحث در قالب بخش‌های سه‌گانه ناظر بر تأثیر پارادایم‌های پژوهش بر روش‌های آمیخته است؛ این موضوع به صراحت توسط مولفان در فصل اول بیان شده است. اما آنچه در ادامه مشاهده می‌شود نوعی ناهمگونی یا به بیان دیگر پراکندگی در تحقق این مدعاست. شاید دو بخش نخست به صورت تلویحی این هدف را پیگیری کرده باشند؛ اما بخش سوم نوعی جدایش از این هدف اصلی را نشان می‌دهد. ضمن آن‌که توزیع ناموزون پارادایم‌ها در بخش اول و دوم- به گونه‌ای که مباحث یک بخش ناظر بر سه پارادایم اول و مباحث بخش دوم صرفاً ناظر بر پارادایم روش‌شناسی است- اهمیت ضمنی که پژوهشگران برای این پارادایم قائل‌اند را نشان می‌دهد.

دوم؛ از دیدگاه نظم و انسجام فصل‌های کتاب- توالی فصل‌ها در قالب هر بخش در موارد متعددی نامناسب است. برای نمونه، فصل‌های پانزدهم تا بیست و نهم جایابی دقیقی در قیاس با دیگر فصول بخش مربوطه ندارند. در یک طرح کلی پژوهش، سوالات و اهداف، روش‌های نمونه‌گیری، روش‌های تحلیل داده‌ها و روش‌های ارائه نتایج قاعدتاً در پی یکدیگر می‌آیند. این در حالی است که این نظم و قاعده در فصول پیش‌گفته رعایت نشده است. نکته مهم دیگر آن‌که در مواردی، عناوین بخش‌ها و فصل‌ها ناظر بر محتوای فصول نیستند. برای نمونه این نقد، به عنوان بخش‌های اول و سوم و فصل هفدهم وارد است.

سوم؛ از دیدگاه ترتیب و انسجام مباحث مطرح شده درون فصل‌های کتاب- به‌رغم مباحث جالب توجهی که هر فصل در بر دارد، در بسیاری از فصول خط سیر فکری نویسندگان در طرح مباحث روشن نیست. به علاوه، هم‌پوشی قابل ملاحظه‌ای میان بسیاری فصول کتاب وجود دارد. به‌گونه‌ای که اگر خواننده قصد مطالعه نه صرفاً یک فصل بلکه تمام فصول را داشته باشد، با تکرار متناوب موضوعات مواجه خواهد شد.

۴,۴ میزان استحکام تحلیل‌ها و تبیین‌های ارائه‌شده در اثر

از نقاط قوت مهم کتاب، ارائه ارجاعات دست‌اولی به تبیین‌هاست. در عین حال از آنجا که برخی نویسندگان فصول مختلف کتاب از پیشگامان حوزه روش‌شناسی پژوهش هستند، تحلیل‌های آن‌ها اساساً منبع رجوع بسیاری از پژوهشگران خواهد بود. ارائه شکل‌ها، جدول‌ها،

نقل قول‌ها و مطالعات موردی همگی با ذکر منابع دست اولی و با کسب اجازه از انتشارات مرتبط ارائه شده‌اند. از دیگر نقاط قوت استدلال‌ها، ارجاع‌دهی متقابل میان فصول است. به عبارت دیگر، نویسندگان هر فصل دیدگاه‌ها و نوشتار دیگر نویسندگان کتاب را مطالعه کرده و بخشی از ادعاها و استدلالاتی که مطرح کرده‌اند با لحاظ کردن ارجاع به نویسندگان فصول دیگر کتاب است.

۵,۴ دقت در کاربرد اصطلاحات تخصصی

اکثر واژگان کلیدی و تخصصی مورد نیاز در پایین همان صفحه پانویس شده‌اند. مشکلی که در کاربرد اصطلاحات تخصصی در برخی صفحات کتاب دیده می‌شود، معادلیابی متفاوت برای این واژگان است. برای نمونه، واژه methodological eclecticism در دو صفحه متفاوت «التقاط‌گرایی روش‌شناسی» و «التقاط روش‌شناسی» معادلیابی شده؛ این در صورتی است که در هر دو صفحه، این واژه با همین عبارت لاتین پانویس شده است. نکته دیگر این است که برای لغات غیرمصطلح، در نخستین ارجاع از پانویس استفاده می‌شود. اما در کتاب برای ترجمه برخی واژگان، گاه بیش از دو بار از پانویس یکسان داده شده است. در عین حال نقطه قوت اثر، فهرست اصطلاحات تخصصی است که توسط مترجمان به انتهای کتاب افزوده شده است.

۶,۴ میزان رعایت اصول و اخلاق علمی و امانت‌داری

تلاش نویسندگان و مترجمان بر حفظ امانت‌داری در ذکر محتوا بوده است. استنادهای درون‌متنی به مراجع دست اول و پانویس کردن منابع استدلال‌هایی که در داخل متن ارجاع‌دهی نشده‌اند، ذکر منابع جداول و شکل‌ها حاکی از این هستند که تحلیل‌های مطرح شده در کتاب بی‌طرفانه و بدون سوگیری عنوان شده‌اند.

۷,۴ خلاقیت و نوآوری

کتاب‌ها، مقالات و آثار متعددی در زمینه روش‌های تحقیق به صورت عام و روش تحقیق آمیخته به صورت خاص به رشته تحریر در آمده است. خلاقیت و سهم دانش‌افزایی اثر حاضر از چند جهت قابل تبیین است. نخست؛ تأکید نویسندگان بر تمییز روش از روش‌شناسی نکته مهمی است که متأسفانه در اکثر آثار این حوزه مورد توجه قرار نگرفته است. دوم؛ اختصاص

برخی از فصول کتاب به پیشگامان حوزه روش تحقیق یا به عبارت دیگر نسل اول محققان این حوزه، تجربه دست اولی نابی را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. سوم؛ تنوع دیدگاه‌های نویسندگان (مانند تعاریف متفاوتی که لیچ Leech و مورس Morse برای پژوهش‌های آمیخته دارند) طیف گسترده‌ای از عقاید را در حوزه روش‌شناسی پژوهش‌های آمیخته فراهم می‌کند. در نهایت، تنوع جمعیت‌شناختی نویسندگان از منظر جنسیت، تخصص، زبان مادری و محل جغرافیایی عمده‌ها در نظر گرفته شده تا حتی الامکان دیدگاه‌های ارائه شده، شمولیت داشته باشند.

۸.۴ استفاده از منابع معتبر و داده‌های روزآمد

در کتاب از منابع متعدد معتبر و دست اول استفاده شده است. در عین حال، نظر به تجدید چاپ اثر در سال ۲۰۱۰ منابع نیز نسبت به چاپ نخست روزآمد شده‌اند.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این مقاله، کتاب راهنمای روش‌های آمیخته در پژوهش‌های علوم رفتاری و اجتماعی مورد نقد و بررسی شکلی و محتوایی قرار گرفت. کتاب نقاط قوت متعدد و در عین حال (از نظر ناقد) کاستی‌هایی دارد. هدف مقاله، نخست معرفی این اثر جامع و برشمردن نقاط قوت آن و سپس اشاره به نقاط قابل بهبود در راستای ارتقای آن بود. در ادامه به مهم‌ترین نقاط قوت و قابل بهبود اثر اشاره شده است.

- این اثر، ارکان چهارگانه پارادایم‌های پژوهش یعنی هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی، ارزش‌شناسی و ماکلاً روش‌شناسی را به عنوان ساختاری برای طرح مباحث مطرح کرده است. همان‌گونه که پیشتر ذکر شد، تمرکز آثار این حوزه عمدتاً بر روش‌های پژوهش آمیخته است؛ نه روش‌شناسی به عنوان الگویی که می‌بایست برای انتخاب روش مبنا قرار گیرد. سراسر بخش دوم کتاب به این مهم اختصاص یافته است.
- تعدد و تنوع دیدگاه‌ها در نگارش فصول از دیگر نقاط قوت اثر حاضر است. اختلاف‌نظرها و مناقشاتی که از دیرباز در حوزه روش‌شناسی پژوهش‌های آمیخته وجود داشته به صورت مستدل تبیین شده‌اند.

- بهره‌گیری از پیشگامان حوزه روش‌های پژوهش در نگارش برخی فصول کتاب از نقاط قوت اصلی آن است که کتاب را به مرجعی برای استناددهی مبدل می‌کند.
- استفاده از منابع دست‌اولی و معتبر، ارائه مثال و مطالعات موردی در برخی فصول، بهره‌گیری از جداول و نمودارها برای فهم بهتر مباحث از دیگر نقاط قوت کتاب محسوب می‌شود.

در عین حال، نقاط قابل بهبودی را می‌توان برای این اثر برشمرد.

- کاستی محتوایی اثر این است که نقطه قوت اصلی کتاب یعنی تمرکز بر روش‌شناسی به‌مثابه الگوی تحلیل روش، به صورت تلویحی مبنای ارائه محتوا قرار گرفته است. حتی در مواردی واژگان روش‌شناسی و روش با یکدیگر خلط شده‌اند.
- کاستی دیگر، همپوشانی زیادی است که در محتوای برخی فصول وجود دارد. برای نمونه تعریف پژوهش‌های آمیخته همچنان در فصول پایانی کتاب به چشم می‌خورد.
- نکته دیگر نامگذاری و نحوه چینش فصول است. خط سیر فکری نویسندگان به هیچ وجه با چیدمان فصول همخوانی ندارد. حتی در مواردی لازم است برخی فصول به عنوان پیش‌نیاز، قبل از فصول دیگر قرار بگیرند (بخش ۳-۴ را ببینید).
- مورد دیگری که در بخش‌های متناهی از فصول دیده می‌شود، ترجمه تحت‌اللفظی جملات است. فهم محتوای کتاب برای افراد ناآشنا با روش‌های پژوهش کمی و کیفی دشوار است. برگردان ساده جملات می‌تواند به درک بهتر موضوعات کمک شایان توجهی کند.

با توجه به نقاط قابل بهبود برشمرده شده برای اثر و در راستای ارتقای آن از منظر شکلی و محتوایی، پیشنهادهایی به شرح زیر صورت‌بندی شده‌اند:

الف) پیشنهادهای شکلی

۱. پرهیز از ترجمه تحت‌اللفظی و لغوی و تلاش برای ساده‌نویسی در ترجمه؛
۲. معادل‌یابی همسان برای برخی اصطلاحات تخصصی؛
۳. چینش فصول به شرحی که خط سیر فکری و اصول روش‌شناختی را محقق کند؛
۴. کاهش محتوای دارای همپوشانی یا تکرار، داخل هر فصل و در فصول مختلف کتاب؛

ب) پیشنهادهای محتوایی

۱. ورود به جزئیات در برخی فصول و پرهیز از کلی‌گویی به‌ویژه در مورد روش‌های پژوهش آمیخته؛
 ۲. حذف موضوعات حاشیه‌ای و پرتکرار برای پرهیز از اطناب و دوگانگی و چندگانگی در تعاریف یا مفاهیم؛
 ۳. استفاده از رویکرد ارائه مثال در بخش دوم کتاب و به‌ویژه در فصول بیست و سوم تا بیست و نهم برای فهم نحوه استفاده از پژوهش‌های آمیخته در حیطه‌های مختلف تخصصی؛
- شایان ذکر است محدودیت عمده مقاله حاضر، نقد یک کتاب مرجع حدوداً هزار صفحه‌ای است که شاید هر فصل آن بتواند به صورت مجزا مورد نقد و بررسی قرار گیرد. به ناچار در چنین مواردی به کلیات اشاره شده و مجال پرداختن به جزئیات نخواهد بود. از اینرو پیشنهاد نویسنده این است که فصول یا دست‌کم بخش‌های کتاب به صورت مستقل مورد نقد و بررسی قرار گیرند.
- نکته دیگر آنکه، کتاب حاضر یکی از کتب مرجع در زمینه پژوهش‌های آمیخته است که به قلم بزرگ‌ترین و شناخته‌شده‌ترین اساتید این حوزه نگارش شده است. بنابراین هدف نویسنده بیش و پیش از نقد اثر، معرفی آن به خوانندگان مقاله بود تا با مراجعه به کتاب از محتوای ارزش‌مند آن استفاده نمایند.

پی‌نوشت

۱. هنگامی که فقط یک چکش دارید، همه چیز مانند میخ به نظر می‌رسد؛ استعاره از اینکه نباید بیش از اندازه بر یک ابزار و روش خاص حل مسئله تمرکز کرد.

کتاب‌نامه

- بازرگان، عباس (۱۳۹۹). *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری*، تهران: نشر دیدار.
- تشکری، عباس و تدلی، چارلز (۱۳۹۷). *راهنمای روش‌های آمیخته در پژوهش‌های علوم رفتاری و اجتماعی*، ترجمه مرتضی اکبری، زهرا فزونی، ضرغام عبدالهی پور، سارا جعفری و نیلوفر مسروری، تهران: نشر دانشگاه تهران.

روش‌شناسی به‌مثابه‌ الگوی تحلیل روش: نقد و بررسی ... (الهام ابراهیمی) ۳۴۱

دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سیدمهدی و آذر، عادل (۱۳۹۸). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران: نشر صفار اشراقی.

درودی، فریبرز (۱۳۸۷). «عوامل موثر بر نقد و بررسی کتاب»، فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، د ۱۹، ش ۳، صص ۱۸۴-۱۷۳.

درودی، فریبرز (۱۳۹۳). «درآمدی بر انواع نقد و کارکردهای آن»، فصلنامه نقد کتاب، د ۱، ش ۳-۴، صص ۲۲۱-۲۳۴.

صادقی فسایی، سهیلا و ناصری‌راد، محسن. (۱۳۹۱). «عناصر بنیادین پژوهش کیفی در علوم اجتماعی: هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و روش». *مطالعات اجتماعی ایران*، د ۵، ش ۲، صص ۷۸-۹۸.

علی‌پور، صدیقه (۱۳۸۹). «تحلیل ساختاری نقد»، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، د ۱۹، ش ۴، صص ۳۹-۶۶.

همدانی، مصطفی (۱۳۹۳). «نقد کتاب فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی»، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، د ۱۸، ش ۳۲، صص ۱۵۱-۱۲۷.

Flick, U. (2018). *Doing grounded theory*, NY: Sage publications.

Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (2005). Paradigmatic Controversies, Contradictions, and Emerging Confluences. In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *The Sage handbook of qualitative research* (pp. 191-215). CA: Sage Publications.

Killam, L. (2013). *Research terminology simplified: Paradigms, axiology, ontology, epistemology and methodology*. Sudbury, On: Killam.

King, K. E. (1994). Method and methodology in feminist research: What is the difference?. *Journal of advanced nursing*, 20(1), 19-22.

Sandelowski, M., & Barroso, J. (2003). Classifying the findings in qualitative studies. *Qualitative health research*, 13(7), 905-923

Tashakkori, A., & Teddlie, C. (2010). *Sage handbook of mixed methods in social and behavioral research*. CA: Sage publications.

Tashakkori, A., Johnson, R. B., & Teddlie, C. (2020). *Foundations of mixed methods research: Integrating quantitative and qualitative approaches in the social and behavioral sciences*. CA: Sage publications.

Tashakkori, A., Teddlie, C., & Teddlie, C. B. (1998). *Mixed methodology: Combining qualitative and quantitative approaches*, CA: Sage publications.